



ولایت در فرهنگ رضوی

محمود مهدی پور

بدون پذیرش ولایت الهی، ولایت شیطان و سلطه طاغوتها و حکومت مستکبران و مستبدان بر انسان و جهان، رسمی و قطعی می‌شود. انسان در برابر سه گزینه قرار ندارد که ولایت الهی یا ولایت شیطانی و یا فقدان هر گونه ولایت و سرپرستی را برگزیند؛ بلکه فقط دو گزینه فرا روی انسان است.^۱ یا ولایت الهی یا ولایت طاغوتها!

شناخت ولایت الهی و حاکمان مقبول و برگزیده او در زندگی، دژ مصونیت و چتر امنیت خدا بر سر انسان و جهان است.

پس از توحید و نبوت، هیچ موضوعی در فرهنگ اسلامی به اهمیت مسئله «ولایت» نیست. ولایت عصاره اندیشه‌های دینی و جلوگاه پذیرش توحید و نبوت است. قبول ولایت به معنای پذیرش رهبری آسمانی، رهبری خدا و پیامبر و جانشین رسول اعظم در زندگی فردی و اجتماعی است.

هدایت بشر در سایه ولایت الهی، ولایت نبوی و ولایت عترت پیامبر ﷺ شکل می‌گیرد. و بدون پذیرش فکری و عملی این ساختار الهی، فلاح و نجات از مشکلات زمین و زمانه مقدور نیست.

درخشان و بی نظیر در عصر خویش
ارائه داده است. بخشی از سیره و
سخنان امام هشتم علیه السلام عبارت است از:
۱. تأکید بر نیاز انسان به ولی؛
۲. ضرورت گزینش ولی از سوی
خداوند؛

۳. معرفی امامان پیش از خویش؛

۴. اعلام ولایت الهی خود؛

۵. شبهه زدایی از امامت امامان و

عصمت پیامبران الهی؛

۶. معرفی جانشین و امام معصوم

پس از خویش؛

۷. حمایت از جریان اعتقادی

امامت و معتقدان به اهل بیت علیهم السلام؛

۸. مبارزه فرهنگی با ولایت گریزان

و ولایت ستیزان؛

۹. دفاع از منابع فرهنگی امامت

یعنی قرآن و سنت؛

۱۰. افشاگری نسبت به مخالفان و

منحرفان جریان زلال امامت و ولایت.

ولایت ترازوی حق و باطل

امام رضا علیه السلام در پرتو تبیین و تفسیر

آیات قرآن، هم قرآن را از مهجوریت

رهایی می بخشد و هم جایگاه مسئله

ولایت الهی یک دستور موردی و
قبول یکی از دستورات او در طول
تاریخ نیست، بلکه ولایت الهی با
پذیرش رهبری اولین برگزیده الهی،
آدم علیه السلام آغاز می شود و تا تسلیم و یاری
آخرین برگزیده الهی، امام عصر علیه السلام
تداوم می یابد.

سلسله پیامبران و امامان در روند
تاریخ، مکمل و تداوم بخش یک
اندیشه و عقیده و یک نظام
اجتماعی اند. و بر خلاف زنجیره
سلاطین و مکاتب الحادی و بشری
هیچ گاه یکدیگر را نفی نمی کنند و با
یکدیگر نزاع و درگیری ندارند؛ بلکه
تابلوهای راهنمای یک مسیر و یک
هدف نهائی هستند.

امام هشتم حضرت علی بن موسی
الرضا علیه السلام که خود یکی از قله های بلند
هدایت و امین خدا و خود یکی از
خورشیدهای رهبری انسانهاست. در
شناساندن، و دفاع از اندیشه رهبری
آسمانی و امامت انبیاء و اولیای او
گامهای بلندی برداشته و کارنامه ای

ولایت را در سند مقبول همه فرقه‌های اسلامی نشان می‌دهد.

اسماعیل بن علی بن زرین برادرزاده شاعر معروف و انقلابی (دعبل خزاعی) از پدرش نقل می‌کند که امام رضا علیه السلام فرمود: از پدرم موسی بن جعفر، شنیدم که فرمود از امام صادق علیه السلام و ایشان از امام باقر و ایشان از امام سجاد علیه السلام و آن بزرگوار از سیدالشهداء علیه السلام و آن حضرت از امیرالمؤمنین شنیده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود:

«لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ، أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ»^۱
«اصحاب جهنم و بهشت مساوی نیستند. اصحاب بهشت رستگاراند.»

سپس توضیح داد که اصحاب بهشت کسانی هستند که مرا اطاعت کنند و در برابر علی علیه السلام تسلیم باشند و ولایت او را بپذیرند. و یاران جهنم آنان‌اند که ولایت علی را ناخوش

دارند و با او نقض پیمان کنند و با او بجنگند»^۲

یکی از شیوه‌های بارز و برجسته در روایات امام هشتم، نقل حدیث با سلسله سند پیشوایان معصوم قبل‌ی تا شخص رسول گرامی است. آن بزرگوار بدین گونه هم جریان زلال رهبری فکری و فرهنگی امت اسلامی را معرفی می‌کند و هم اندیشه‌های اصیل قرآنی و نبوی را به جامعه اسلامی عرضه می‌دارد. برای نمونه به این حدیث شریف که یک هشدار به عموم امت به ویژه نخبگان جامعه است توجه کنیم:

امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین نقل می‌کند که آن بزرگوار فرموده است: «الدُّنْيَا كُلُّهَا جَهْلٌ إِلَّا مَوَاضِعَ الْعِلْمِ وَالْعِلْمُ كُلُّهُ حُجَّةٌ إِلَّا مَا عَمِلَ بِهِ وَالْعَمَلُ كُلُّهُ رِيَاءٌ إِلَّا مَا كَانَ مُخْلِصاً وَالْإِخْلَاصُ عَلَى خَطَرٍ حَتَّى يَنْظُرَ الْعَبْدُ بِمَا يُخْتَمُ لَهُ»^۳ دنیا سراسر جهل و

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق، نشر

جهان، ج ۱، ص ۲۸۰.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۸۱.

۱. حشر/ ۲۰.

ناآگاهی است، مگر آنجا که کانون علم است. و علوم هم حجت [بر انسان] است مگر آنچه بدان عمل گردد. و اعمال، تمام ریا و برای نمایش است مگر آنچه از روی اخلاص باشد. و اعمال همراه با اخلاص هم در خطر است تا انسان بنگرد که پایان کار چگونه خواهد بود.»

نمونه دیگر

شخصی به نام حمزه از نوادگان زید شهید فرزند امام چهارم در ماه رجب سال ۳۳۹ در قم برای شیخ صدوق نقل کرده است که از علی بن ابراهیم در سال ۳۰۷ ق شنیدم از پدرش و با دو واسطه از امام رضا علیه السلام نقل کرد که آن بزرگوار از پدران خویش از امیرالمؤمنین نقل فرمود که حضرت فرموده است: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ وَيَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَيُعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا بَعْدِي وَيُعَادِ عَدُوَّهُ وَيَأْتِمَّ بِالْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ مِنْ وَلَدِهِ فَإِنَّهُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي وَسَادَةُ أُمَّتِي وَقَادَةُ التَّقِيَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ حِزْبُهُمْ حِزْبِي وَ

حِزْبِي حِزْبُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحِزْبُ أَعْدَائِهِمْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ؛^۱ هر کس دوست دارد بر کشتی نجات نشیند و به ریسمان مستحکم چنگ زند و حبل الله استوار را بگیرد، باید پس از من رهبری علی علیه السلام را بپذیرد و با دشمنان او دشمن باشد و به امامان هدایتگر از فرزندان او اقتدا کند، آنان جانشین من، اوصیای من و حجت‌های الهی بر خلق پس از من و سروران امت من و رهنمای پارسایان به سوی بهشت‌اند. حزب آنان حزب من و حزب من حزب الله عزوجل است و حزب دشمنان ایشان حزب الشیطان است.»
معرفی امامان و امت در گفتار و رفتار رضوی علیه السلام به دوره خاص یا مجلس خاص و شیوه ثابت محدود نمی‌شود.

۱. تأکید بر بزرگداشت عاشورا؛^۲

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، سج ۱، ص ۲۹۲ و

۲۹۹.

۲. همان، ص ۲۹۴.

۱۰. تأکید بر اهمیت تقیه در عصر
غیبت امام عصر علیه السلام^{۱۰}

این موارد تمام نمونه‌هایی از
اقدامات امام رضا علیه السلام در پاسداری از
فرهنگ ولایت است.

امام هشتم ساختار و راهکار رهایی
انسان را این گونه ترسیم می‌کند.

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ آخِذٌ بِحُجْرَةِ
اللَّهِ وَنَحْنُ آخِذُونَ بِحُجْرَةِ نَبِيِّنَا وَشَيْعَتِنَا
آخِذُونَ بِحُجْرَتِنَا ثُمَّ قَالَ: الْحُجْرَةُ النُّورُ»^{۱۱}

روز قیامت رسول خدا دامان خدا را
می‌گیرد، و ما دامان پیامبرمان و شیعیان
ما دامان ما را می‌گیرند، سپس حضرت
فرمود، منظور از دامان، نور است.»

امام رضا علیه السلام و تحلیل اوضاع

فرهنگی
حضرت به ابن ابی محمود فرمود:
مخالفان ما سه گونه اخبار برای مبارزه
با ما جعل کرده و منتشر کرده‌اند.

۱. بخشی از اخبار همراه با غلو و
بالا بردن ما از جایگاه بندگی خداست؛

۲. تأکید بر صلوات بر محمد و آل
محمد علیهم السلام^۱

۳. یادآوری فضائل علوی؛^۲

۴. یادآوری مظلومیت
امیرالمؤمنین علیه السلام^۳ و برخورد علمی و
منطقی با منکران امامت؛^۴

۵. تأکید بر عصمت پیامبران الهی؛^۵

۶. اخبار از تعداد حواریون عیسی؛^۶

۷. تأکید بر گستردگی علوم
امامان؛^۷

۸. نفی تفکر غلات؛^۸

۹. تأکید بر شرط ولایت خویش
در جمع مردم نیشابور؛^۹

۱. همان، ص ۲۹۴.

۲. همان، ص ۲۹۷.

۳. همان، ص ۳۰۳.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۸۴.

۵. التوحید صدوق، چاپ جامعه مدرسین، با
تصحیح سید هاشم حسینی تهرانی، ص ۷۴ و ص
۱۲۱ و ۱۳۲.

۶. همان، ص ۴۲۱.

۷. همان، ص ۲۷۵.

۸. همان، ص ۳۶۴.

۹. همان، ص ۲۵.

۱۰. اعلام الوری، ص ۴۰۸.

۱۱. التوحید، ص ۱۶۶.

دشمنی و ناآگاهی به خدا اهانت خواهند کرد.»

امام رضا علیه السلام در پایان این حدیث شریف نسبت به اظهار نظرهای ناآگاهانه و تعصبهای بدون دلیل هشدار می‌دهد و آن را عامل بیرون رفتن از مرزهای ایمان می‌شمارد. و یادآور می‌شود: کم‌ترین چیزی که سبب خروج از ایمان می‌شود این است که انسان بدون دلیل به «سنگریزه» بگوید هسته خرماست، سپس بر این نظر اصرار ورزد و از مخالفان آن بیزاری جوید. اظهار نظر در مسائل تاریخی و حوادث اجتماعی اگر با خصومتها و بدون انصاف و حق‌گرایی صورت گیرد و با لجاجت و تبلیغات دشمنان همراه شود، شناخت حق و باطل را دشوار می‌سازد.

افزودنها و کاستنها و دروغ پردازیها، ریشه بسیاری از مشکلات اجتماعی است که راهکار اصلاح آن اصلاح رسانه‌ها و برخورد قاطع با دروغ پردازان داخلی و خارجی است.

۲. بخش دیگر، ما را کم‌تر از آنچه هستیم نشان می‌دهد و از شأن ما می‌کاهد؛

۳. بخش سوم همراه با اهانت و بیان اسامی دشمنان ماست.

نتیجه احادیث نوع اول این است که وقتی مردم این‌گونه احادیث را بشنوند شیعیان ما را تکفیر می‌کنند و آن را معتقد به ربوبیت ما می‌شمارند.

وقتی جامعه احادیث نوع دوم را بشنود که ما را کوچک‌تر از آنچه هستیم نشان می‌دهد، آن را می‌پذیرد و در حق ما کوتاهی می‌کند.

بخش سوم از احادیث وقتی به گوش دیگران می‌رسد، به ما توهین و اهانت می‌کنند.^۱ و حال آنکه خداوند فرموده است: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾؛^۲

«به کسانی که غیر خدا را می‌خوانند، فحش ندهید که آنان هم از روی

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۴.

۲. انعام/۱۰۸.